

استفاده از ملاک‌های زبان‌شناختی برای تعیین نویسنده‌ی ملحقات تذکره الاولیاء (از منظر متن‌شناسی حقوقی)

دکتر علی علیزاده^۱

مریم بهروزی‌فر^۲

چکیده

در ادبیات کهن فارسی آثاری وجود دارد که به دلیل قدمت تاریخی و وجود نسخه‌های متعدد از آنها باید نسخه‌ی اصل و صحیح مشخص شود. در روش‌های معمول از طریق مقایسه‌ی نسخه‌های گوناگون با یکدیگر و همچنین مقایسه‌ی سبک اثر با دیگر آثار آن نویسنده تلاش می‌شود نسخه‌ی اصل که تماماً توسط آن شخص نگاشته شده است، مشخص شود. در این روش‌ها عوامل زبانی از جمله ساختاری، سبکی، معنایی، ساختار نحوی و همچنین عوامل تاریخی از جمله وجود یا عدم وجود بخش‌هایی از اثر در نسخه‌های سال‌های متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرند. در دهه‌های اخیر روش‌هایی برای تعیین نویسنده‌ی یک متن مورد استفاده قرار گرفته‌اند که تنها به عوامل زبانی توجه دارند. این روش‌ها در حوزه‌ی زبان‌شناسی حقوقی که حوزه‌ای میان رشته‌ای است و در حیطه‌ی زبان‌شناسی کاربردی قرار می‌گیرد آزموده شده‌اند. مثنوی که در موارد حقوقی نیاز است تا نویسنده‌ی آنها مشخص شود معمولاً کوتاه هستند و روش‌های مورد استفاده باید بسیار دقیق باشند. برای افزایش دقت در این کار روش‌هایی کمی که صرفاً عوامل زبانی را در نظر می‌گیرند مورد آزمون قرار گرفته و در آزمون‌های مختلف درصد خطای بسیار پایینی داشته‌اند. در این پژوهش روشی کمی برای یک متن ادبی به کار گرفته شده است. متن ادبی مورد پژوهش بخش‌هایی از تذکره الاولیاء می‌باشد که منسوب به عطار است، اما به دلایلی که در مقاله ذکر می‌گردد تعلق آنها به عطار ناشک و تردید همراه است. در این روش متن به ساختارهای نحوی اش تجزیه و تعداد ساختارها شمارش شده است. سپس تعداد این ساختارها در دو متن - متن اصلی و متنی که نویسنده‌اش مورد تردید است - با هم مقایسه و با استفاده از تست χ^2 آزموده شده‌اند. نتایج به دست آمده یافته‌های محققان پیشین مبنی بر رد انتساب این بخش‌ها به عطار را تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تذکره الاولیاء، عوامل زبانی، روش کمی، شناسایی نویسنده، زبان‌شناسی حقوقی

۱. مقدمه

گاهی با متونی روبه‌رو می‌شویم که نویسنده‌ی آنها مورد تردید است و لازم است تا نویسنده‌ی آن مشخص شود. این متون موارد مختلفی را شامل می‌شوند: ۱- متونی که از نظر حقوقی نویسنده‌ی آنها باید تعیین شود، مانند موارد سرقت‌های

^۱ دانشیار، زبان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، al_aliz@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، m_behrouzifar@yahoo.com

ادبی و یا متون تهدیدآمیز. ۲- متون کهنی که نسخه‌های متعددی از آنها وجود دارد و این نسخه‌ها با هم متفاوتند. تفاوتها گاه جزئی است و شامل چند کلمه یا جملاتی در متن می‌شود و گاه در وجود بخش یا بخش‌هایی در یک نسخه و نبود آن در نسخ دیگر است که باعث به وجود آمدن تردید در مورد نویسنده‌ی آن می‌شود.

"نسخه‌های خطی در هر زبان، سند هویت آن زبان و ابزار انتقال دانش و فرهنگ از نسلی به نسل دیگر است." (نیکو- بخت، ۱۳۸۷: ۱۳۲) از این رو برای حفظ و تصحیح این نسخه‌ها باید تلاش کرد. "به‌علاوه اهمیت دیگر فن تصحیح متون از آن‌جاست که "مقدمه‌ای برای هر گونه ارزیابی انتقادی است" (دیجز، ۱۳۳۶) و اصولاً هر گونه نقادی در متون ادبی، وابسته به وجود متنی درست و معتبر است؛ زیرا منتقد باید اطمینان حاصل کند که به بررسی همان اثری می‌پردازد که اصالتاً از زیر دست صاحب اثر بیرون آمده است. " (امامی، ۱۳۳۷) (به نقل از نیکو بخت، ۱۳۸۷: ۱۳۲)

در روش‌های معمول برای تصحیح متون با استفاده از مواردی چون نسخه اساس، اجتهاد، قیاس و... سعی بر مشخص نمودن نسخه‌ای از اثر است که به اصل نزدیکتر باشد. روش دیگر برزیبایی سبک متون و مقایسه‌ی آنها با یکدیگر است. " سبک، ویژگی یا ویژگی‌هایی است که اثری یا آثار گسلی یا آثار دوره‌ای را از اثری دیگر یا آثار شخص دیگر یا آثار دوره‌ی دیگر متمایز می‌کند." (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۰) در تمامی این روش‌ها عوامل زبانی و غیر زبانی اعم از محتوایی، تاریخی و فرهنگی همزمان در نظر گرفته می‌شوند.

در دهه‌های اخیر روش‌های جدیدی برای شناسایی نویسنده در حوزه‌ی مسائل حقوقی به وجود آمده است. در این روش‌ها از عوامل صرفاً زبانی جهت تعیین نویسنده استفاده می‌شود. "از یک سو زبان‌شناسان با استفاده از دانش خود درباره‌ی نشانه‌های زبانی مشخص‌کننده‌ی لایحه‌های منطقی و اجزای سن، جنس، تحصیلات و شغل به تحلیل متون برای تشخیص هویت نویسنده می‌پردازند. از سوی دیگر آنان با مقایسه‌ی سبک مدرک با سبک دیگر مدارکی که توسط مظنونین احتمالی نوشته شده‌اند به تحلیل سبک‌شناختی می‌پردازند." (مک منامین^۱، ۱۳۸۴: ۱۶۶)

از آن‌جایی که متون مورد بررسی در موارد حقوقی ممکن است بسیار کوتاه باشند سعی شده است روش‌ها عینی و دقیق باشند. به همین دلیل زبان‌شناسان به روش‌های کمی روی آورده‌اند تا بتوانند بدون اعمال نظر شخصی و تأثیرپذیری از آراء دیگران نویسنده‌ی متن را مشخص کنند. آیا از این روش‌ها می‌توان برای شناسایی نویسنده‌ی متون کهن ادبی هم سود جست؟ آیا نتایج این روش‌ها یافته‌های پیشین پژوهشگران را که از روش‌های دیگری استفاده کرده‌اند تأیید می‌کند؟

تمام پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد متون ادبی انجام گرفته‌اند در حوزه‌های نسخه‌شناسی و سبک‌شناسی قرار می‌گیرند. " به طور کلی در تعریف سبک‌شناسی آن را علم مطالعه و بررسی شیوه‌های بیان هنری و ادبی نامیده‌اند که از بسیاری از جهات شکل توسعه یافته‌ی بلاغت در سنت کلاسیک است. در موقعیت جدید هدف سبک‌شناسی آن بوده‌است که میان مبانی زبان‌شناسی و بررسی متون ادبی و غیر ادبی از نقطه نظر شیوه‌ی بکارگیری زبان رابطه‌ای قانونمند و معنی دار کشف نماید." (داد، ۱۳۸۳: ۲۸۲) یکی از شاخه‌های سبک‌شناسی، سبک‌شناسی آماری است که "از کامپیوتر برای تعیین کیفیت الگوی سبکی مورد استفاده‌ی نویسندگان استفاده می‌کند." (همان: ۲۸۵) تنها این شاخه از سبک‌شناسی است که شباهت‌هایی با شیوه‌ی مورد استفاده در این پژوهش دارد.

¹ Mc Menamin

در ارتباط با تذکره الاولیاء استعلامی (۱۳۷۰) با استفاده از ادله‌ی زبانی و غیر زبانی اعم از تاریخی و نسخه‌شناسی تعلق ملحقات این کتاب را به عطار رد کرده‌است. از جمله دلایلی که ذکر می‌کند عدم وجود این ملحقات در نسخه‌های قبل از قرن دهم و همچنین وجود اشتباهات فراوان در این بخش است. بابک احمدی (۱۳۷۶) معتقد است برخی از بخش‌های ملحقات زبانی بسیار زیبا دارند که بسیار نزدیک به بخش‌های اصلی کتاب است. "در یکی از زیباترین باب‌های پیوست یعنی ذکر ابوالحسن خرقانی، عبارتی چنین آمده است: «و معنی همان است که در انا الحق حسین منصور شرح دادم.» با توجه به این عبارت شاید بتوان گفت که اگر نه تمامی باب‌های پیوست، دست کم این یکی کار مؤلف تذکره الاولیاء است." (احمدی، ۱۳۷۶: ۸)

۲. بحث و بررسی

"تذکره الاولیاء چنان که از نامش پیداست کتابی است درباره‌ی سرگذشت‌ها و کرامت‌ها و سخنان و اندیشه‌های عارفان بزرگ." (استعلامی، ۱۳۷۰: دوازده) "تذکره الاولیاء یکی از واپسین متون مهم فارسی است که به زبانی ساده، روان و همه فهم نوشته شده، در آن جز در نخستین سطرهای هر باب که به شو موزون و مسجع آمده‌اند از نثر مصنوع و آرایه‌های کلامی وام گرفته از زبان منظوم اثری نیست." (احمدی، ۱۳۷۶: ۱۷)

تذکره الاولیاء تنها اثر منشور عارف بزرگ شیخ عطار است. فریدالدین ابو حامد محمد بن ابوبکر ابراهیم بن اسحاق عطار کدکنی نیشابوری شاعر و عارف ایرانی است که در قرن ششم و اوایل قرن هفتم می‌زیسته است. زادگاه او را کدکن نیشابور دانسته‌اند و از آنجا که به طبابت و داروسازی اشتغال داشته به عطار شهرت می‌یابد. آثار بسیاری را به وی نسبت داده‌اند، اما شمار آثاری که با اطمینان می‌توان گفت از آن اوست هفت اثر است که شامل شش اثر منظوم و یک اثر منشور است. "نثر در اصطلاح به سخن مکتوبی گفته می‌شود که بی‌پیرایه و بدون وزن و قافیه باشد و بدان وسیله مقاصد گوینده و نویسنده به روشی متفاوت با نظم (یا شعر) بیان گردد." (رستگار فسایی، ۱۳۸۰: ۴-۲)

اثر منشور او تذکره الاولیاء ۷۲ بخش اصلی دارد که نخستین بخش آن شرح احوال امام صادق (ع) و آخرین بخش در مورد حلاج است. این کتاب "پیوستی هم دارد که در دستنویس‌ها بیست تا بیست و پنج بخش می‌شود." (استعلامی، ۱۳۷۰: ۱۲) در مورد این پیوست‌ها نظرات گوناگونی وجود دارد. استعلامی (۱۳۷۰: بیست و شش) می‌گوید: "این پیوست‌ها را در دستنوشته‌های سده‌های ششم و هفتم - که روزگار عطار است - نمی‌بینیم، و با توجه به مجموعه‌های خطی آثار عطار، به نظر می‌رسد که در سده‌ی دهم یا یازدهم مردی ناشناس آنها را بر کتاب عطار افزوده است." از دیگر دلایلی که او برای رد تعلق این پیوست به عطار ذکر می‌کند این است که: "در بیشتر دستنویس‌های انگشت‌شماری که بخش‌های ملحقات را دارد خط ملحقات با اصل یکی نیست." (همان: بیست و شش) "از سوی دیگر در این بخش‌های ملحق بی‌دقتی و نارسایی و خطای دستوری بیش از آن است که بتوانیم آن را نتیجه‌ی خطای کاتبان بدانیم." (همان: بیست و شش)

از طرفی بابک احمدی (۱۳۷۶: ۸) معتقد است: "زبان شماری از باب‌های پیوست چندان رسا و روان نیست. در مقابل، زبان برخی دیگر بسیار زیباست، و معناهای ظریفی را نیز در بردارند. نثرشان در روانی و قدرت بیان - البته با توجه به تفاوت‌های آشکار - قابل قیاس با نثر اصلی کتاب است."

میان ملحقات و بخش‌های اصلی کتاب شباهت‌هایی وجود دارد که سبب به وجود آمدن تردیدها در مورد تعلق بخش پیوست به عطار شده است. محمد استعلامی (۱۳۷۰: پانزده) می‌گوید: "اگر می‌بینیم که شیوه‌ی نگارش پیوست‌ها با اصل هماهنگی و همانندی دارد بدین سبب است که این مطالب از کتاب‌هایی چون ترجمه‌ی رساله‌ی قشیریه، کشف المحجوب و دیگر مآخذ نقل شده، و در واقع نثر پیوست‌ها و اصل هر دو پیرو شیوه‌ی سرچشمه‌ها و مآخذ است، و در بسیاری موارد رونویس کتاب‌های پیش از عطار است."

تمامی این اظهار نظرها در مورد ملحقات تذکره الاولیاء کیفی هستند و عوامل زبانی را همراه با عوامل غیر زبانی در نظر گرفته‌اند. در این پژوهش تلاش می‌شود با استفاده از روشی کمی و بدون توجه به عوامل غیر زبانی و فقط با در نظر گرفتن ساختارهای نحوی موجود در متن این تردید برطرف شود. روش مورد استفاده از روش‌های رایج در زبان‌شناسی حقوقی انتخاب گردیده است.

زبان‌شناسی حقوقی حوزه‌ای میان رشته‌ای است بنابراین کاربرد علم زبان‌شناسی در مسائل حقوقی عبارت زبان‌شناسی حقوقی را اولین بار جان اسوارتویک (۱۹۶۸)، پروفسور زبان‌شناسی در کتابش به نام *اظهارات ایوانز: موردی برای زبان‌شناسی حقوقی*^۱ به کار برد. در این کتاب او تحلیلی از اظهارات تیموتی جان ایوانز که متهم به قتل همسر و فرزندش بود ارائه کرد. "اصلی‌ترین مباحث مورد توجه زبان‌شناسی قانونی را می‌توان در حوزه‌های زیر خلاصه کرد:

- زبان قانون و اسناد و مدارک
- زبان پلیس و مأموران اجرای قانون
- مصاحبه‌های انجام شده با کودکان و شهود در نظام قضایی
- گفتمان کنشگران دادگاه
- تشخیص سرقت ادبی شناسایی نویسنده‌ی اصلی متن
- حضور کارشناسان زبان‌شناس در دادگاه و ارائه‌ی نظریه‌ی کارشناسی
- آواشناسی جنایی و تشخیص هویت گوینده" (افشار، ۱۳۸۷: ۸)

شناسایی نویسنده در حوزه‌ی مسائل حقوقی در موارد سرقت ادبی و شناسایی نویسنده‌ی متون تهدید آمیز کاربرد دارد. برای شناسایی نویسنده از چگونگی استفاده‌ی زبان توسط یک شخص استفاده می‌شود. "این که اشخاص سبک نوشتاری خاص خود را دارند اثبات شده است و با استفاده از این ویژگی می‌توان به یک مدل آماری ساده رسید." (گودمن^۲ و همکاران، ۲۰۰۷: ۱) پیش فرض تمام پژوهش‌ها در مورد شناسایی نویسنده این است که هر شخصی شیوه‌ی خاص خود را در نوشتن و صحبت کردن دارد. "سبک نوشتاری یک شخص شامل ویژگی‌های بسیاری می‌شود که یگانگی سبک او را

¹ John Svartvik

² The Evan's Statements: A Case For Forensic Linguistics

³ Goodman

آشکار می‌کنند از جمله کاربرد واژگان، غنای واژگانی، استفاده از واژگان دستوری، شکل دهی متن در یک صفحه و طول و ساختار جملات." (همان: ۱)

برای ارزیابی ویژگی‌های زبانی تاکنون روش‌های متفاوتی آزموده شده‌اند. این روش‌ها به دو دسته کلی کیفی و کمی تقسیم می‌شوند. روش‌های کیفی روش‌هایی هستند که بر تجربه‌ی تحلیلگر استوارند. در روش کمی تمرکز بر ویژگی‌های زبانی قابل شمارش است، برای نمونه طول واژگان، طول عبارات، طول جملات و توزیع واژگان با طول‌های متفاوت. (چاسکی^۱، ۲۰۰۵)

۳. تجزیه و تحلیل

روش مورد استفاده در این پژوهش روشی کمی است که از میان روش‌های آزموده شده توسط کارول ای. چاسکی (۲۰۰۱) انتخاب شده است. در پژوهش‌های انجام شده توسط چاسکی تحلیل ساختارهای نحوی متن و تحلیل نقطه‌گذاری‌های نحوی متن درصد خطای کمتری در تعیین نویسنده‌ی متن نسبت به روش‌های دیگر داشته‌اند. برخی روش‌های دیگری که توسط وی بررسی شده‌اند عبارتند از: پیچیدگی جملات، غنای واژگانی، تحلیل محتوا و...

در این پژوهش روش تحلیل ساختارهای نحوی متن بکار گرفته شده است. بخش‌هایی از قسمت اصلی کتاب و بخش‌هایی از قسمت ملحقات انتخاب، ساختارهای نحوی آن استخراج و شمارش انجام شده و نسبت این ساختارها در دو قسمت با هم مقایسه می‌شوند. تعداد جمله‌های دو بخش انتخاب شده نیز شمارش شده‌اند تا تعداد آنها قابل مقایسه باشد و تفاوتی با یکدیگر نداشته باشند. در این پژوهش سه ساختار نحوی بررسی شده‌اند که در ادامه نمونه‌هایی از آنها ذکر می‌گردد:

- جملات غیرمستقیم

"جمله از حیث نظم دو گونه است: مستقیم و غیرمستقیم (مقلوب)، جمله‌ی مستقیم جمله‌ای است که در آن اجزا و ارکان، نظم طبیعی و جایگاه مخصوص خود را داشته باشند. هادی دیروز ما را به خانه‌ی خود دعوت کرد. جمله‌ی غیر-مستقیم یا مقلوب، جمله‌ای است که در آن نظم طبیعی بر هم خورده و اجزاء و ارکان در جای خاص خویش نیامده باشند: دریغ آمدم تربیت ستوران و آینه‌داری در محلت کوران. سعدی «گلستان»" (انوری-گیوی، ۱۳۷۰: ۲۴۴)

نمونه‌هایی از قسمت اصلی: (صفحات ۱۲ تا ۱۸)

گو: جمله‌ی جن و انس گواهی دهند به رفض من. ص ۱۳

که اهل سنت و جماعت اهل بیت‌اند به حقیقت. ص ۱۳

¹ Chaski

و در حال لرزه بر منصور افتاد و سر در کشید و بی‌هوش شد، تا سه روز. ص ۱۴

به جهت آن که خدای تعالی او را عوض بود از جمله اشیاء. ص ۱۷

نمونه‌هایی از قسمت ملحقات: (صفحات ۵۹۹ تا ۶۰۵)

نقل است که پرسیدند از حقیقت ایمان. ص ۶۰۰

مردی را دیدم نیکو روی بر اسبی خنگ. ص ۶۰۰

در این نمونه‌ها گروه حرف اضافه و گروه صفتی به آخر جمله و پس از فعل منتقل شده است.

دانشگاه زنجان
۱۳-۱۵ شهریور ۹۲
فارس لیرا
تجارت و بازرگانی

-حذف فعل

"گاهی یک یا چند جزء از اجزاء و ارکان جمله حذف می‌شوند. حذف کلمه در جمله یا بنا به عرف زبان است و یا به قرینه‌ی لفظی یا معنوی. الف- عرف زبان، یعنی سنت اهل زبان است که جمله را با حذف جزء یا اجزایی بیاورند، مانند صبح به خیر. ب- حذف به قرینه‌ی لفظی، آن است که در خود جمله یا جمله‌ی پیشین و یا بسین لفظی می‌آید که گوینده یا نویسنده به سبب آمدن آن لفظ، آوردن کلمه را لازم نمی‌بیند و آن را حذف می‌کند. مانند کلمه‌ی احمد در مثال زیر: به احمد گفتیم که سلام مرا به شما برساند. ج- حذف به قرینه‌ی معنوی آن است که سیاق کلام و مفهوم کلی جمله‌ها و عبارت‌ها باعث حذف کلمه یا کلماتی در جمله می‌گردد، نه آمدن لفظ در جمله و عبارت. وقتی معلم می‌گوید: درس تمام شد، کتاب‌هایتان را ببندید. از سیاق جمله پیداست که روی سخن با دانش‌آموزان است." (انوری-گیوی، ۱۳۷۰: ۳۱۳)

فعل هم یکی از ارکان جمله است و گاهی یا بنا به عرف زبان یا به قرینه‌ی لفظی یا معنوی حذف می‌شود. در این پژوهش حذف‌هایی که به قرینه‌ی لفظی یا معنوی صورت گرفته انتخاب شده‌اند.

نمونه‌هایی از قسمت اصلی:

یعنی یکی دوازده است و دوازده یکی. ص ۱۲ قرینه‌ی لفظی

هم عباد را مقدم بود و هم زهاد را مکرم. ص ۱۲ قرینه‌ی لفظی

از پیوستگان پیغمبر کدام فاضل‌تر؟ ص ۱۳ قرینه‌ی معنوی

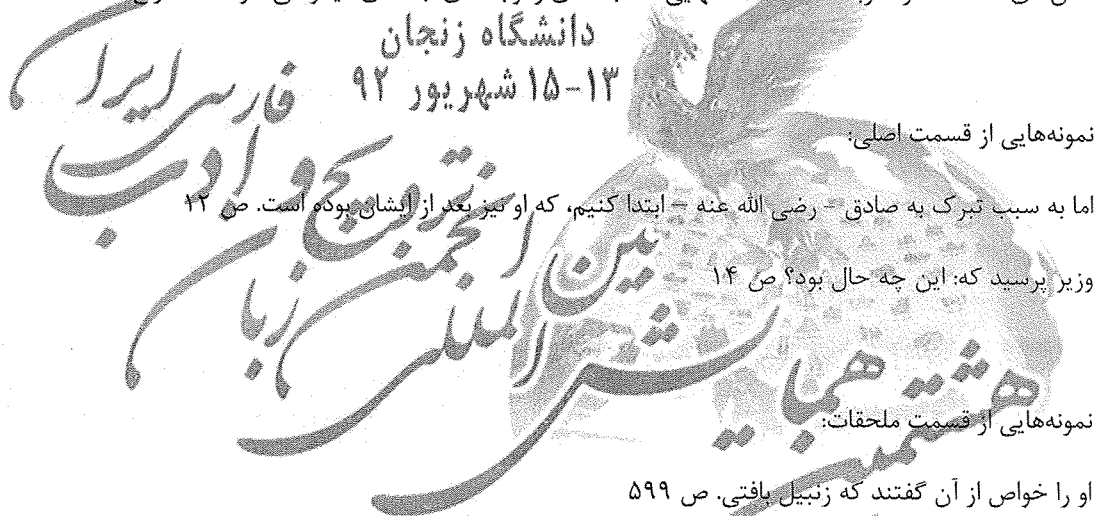
نمونه‌هایی از قسمت ملحقات:

یگانه‌ی عهد بود و گزیده‌ی اولیاء و بزرگوار عصر؛ ص ۵۹۹ قرینه‌ی لفظی

چشم در او نهاد، تا روز نظاره می کرد و خواص به کار مشغول. ص ۶۰۱ قرینه‌ی معنوی

حرف ربط که

"حرف ربط، کلمه‌ای است که دو کلمه‌ی همگون یا دو عبارت یا دو جمله را به هم می‌پیوندد و آنها را هم‌پایه و هم-ارزش می‌سازد و یا جمله‌ای را به جمله‌ی دیگر می‌پیوندد و دومی را وابسته‌ی اولی قرار می‌دهد." (انوری-گیوی، ۱۳۷۰: ۲۵۵) در این پژوهش به دلیل وجود فراوان حرف ربط «که» در متن تذکره، تعداد این حرف مد نظر قرار گرفته است. از میان نقش‌های مختلف حرف ربط «که» فقط آنهایی که جمله‌ای را وابسته‌ی جمله‌ای دیگر می‌سازند استخراج شده است.



نمونه‌هایی از قسمت اصلی:

اما به سبب تبرک به صادق - رضی الله عنه - ابتدا کنیم، که او نیز بعد از ایشان بوده است. ص ۱۲

وزیر برسید که: این چه حال بود؟ ص ۱۴

نمونه‌هایی از قسمت ملحقات:

او را خواص از آن گفتند که زنبیل یافتی. ص ۵۹۹

نقل است که وقتی با مریدی در بیابان می‌رفت. ص ۶۰۱

بعد از بررسی نمونه‌های مختلف از موارد دستوری فوق در تعدادی از جمله‌ها، بسامد هر یک در جدول زیر ارائه شده است:

مجموع	ملحقات	اصلی	ساختارها بخش
۴۵	۱۷	۲۸	جملات غیرمستقیم
۳۳	۸	۲۵	جملات دارای حذف فعل
۵۸	۱۶	۴۲	جملات با حرف ربط که
۶۶۴	۳۵۹	۳۰۵	جملات باقیمانده
۸۰۰	۴۰۰	۴۰۰	مجموع

جدول بسامد ساختارهای موجود در دو متن

پس از اجرای تست X^2 بر روی داده‌ها نتایج زیر به دست آمد:

$X^2=27.45$

$df=3$

$P.value=0.0001$

از آنجایی که این تست تفاوت میان گروه‌ها را مورد آزمون قرار می‌دهد، فرضیه‌ی صفر عدم وجود هرگونه تفاوتی میان گروه‌ها خواهد بود. فرضیه‌ی صفر در صورتی تأیید می‌شود که احتمال مرتبط با نتیجه‌ی تست بزرگتر از ۰/۰۵ باشد. در مقابل اگر احتمال بدست آمده کوچکتر و یا مساوی ۰/۰۵ باشد فرضیه‌ی صفر رد و فرضیه‌ی جایگزین، وجود تفاوت میان گروه‌ها، تأیید خواهد شد.

همانطور که نتایج بدست آمده نشان می‌دهند، احتمال (p-value) برای داده‌های این پژوهش ۰/۰۰۰۱ است. این احتمال کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت از نظر آماری اختلاف معنی‌داری میان این دو متن وجود دارد. با توجه به این نتیجه، فرضیه‌ی جایگزین یعنی وجود تفاوت میان دو متن تأیید می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

در این پژوهش تذکره الاولیاء عطار مورد بررسی قرار گرفت. هدف از این بررسی پاسخ به تردیدهایی است که در مورد بخش ملحقات این کتاب وجود دارد. به دلیل وجود این بخش‌ها در برخی نسخه‌ها تردیدهایی در مورد نسبت آنها به عطار وجود دارد. این پژوهش با روشی متفاوت سعی در بررسی این موضوع داشت، روشی کمی که بر پایه‌ی نظرات اشخاص و تفسیر و تأویل استوار نباشد. اگر چه هنوز درباره‌ی روش‌های کمی اجماع نظر وجود ندارد اما باز هم آزمودن مکرر این روش‌ها می‌تواند مزایا و معایب آنها را نمایان کند.

دو بخش با تعداد جملات برابر از قسمت اصلی و ملحقات کتاب انتخاب و ساختارهای نحوی موجود در آنها با هم مقایسه شدند. نتایج بدست آمده نشانگر تفاوت بسیاری میان ساختارهای نحوی دو متن بودند که با پیش فرض استفاده‌ی متفاوت اشخاص از این ساختارها، می‌توان نتیجه گرفت که این دو بخش متعلق به یک شخص واحد نیست و نسبت دادن هر دو آنها به عطار نمی‌تواند فرض درستی باشد.

به دلیل حجم زیاد اثر در این پژوهش فقط یک بخش از ملحقات با یک بخش از قسمت اصلی مقایسه گردیده است. اما از آنجایی که برخی پژوهشگران معتقدند ممکن است بخش‌های مختلف قسمت ملحقات توسط افراد گوناگون و یا حتی بعضی توسط خود عطار نگاشته شده باشند، به نظر می‌رسد مقایسه‌ی تمام این بخش‌ها با قسمت اصلی کتاب ضروری است، که این خود نیازمند تحقیق و پژوهش‌های مستقل و جداگانه‌ای است.

فهرست منابع

- ۱- احمدی، بابک. (۱۳۷۶). چهار گزارش از تذکره الاولیاء. تهران: مرکز.
- ۲- استعلامی، محمد. (۱۳۷۰). تذکره الاولیاء. تهران: زوار.
- ۳- افشار، ترنم. (۱۳۸۷). کاربرد زبان‌شناسی قانونی در تحقیقات جنایی. کارآگاه، شماره‌ی ۳، صص ۱۶-۶.

- ۴- انوری، حسن، و گیوی، حسن. (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی ۱. تهران: فاطمی.
- ۵- _____، _____ . (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی ۲. تهران: فاطمی.
- ۶- داد، سیما. (۱۳۸۳). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
- ۷- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۰). انواع نشر فارسی. تهران: سمت.
- ۸- شای، راجر. دلیو. (۱۳۸۴). زبان‌شناسی قانونی. (اعظم استاجی، مترجم) زبان‌شناسی، شماره ۲، صص ۱۷۴-۱۶۳.
- ۹- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). کلیات سبک‌شناسی. تهران: فردوس.
- ۱۰- نیکویخت، ناصر، و رنجبران، عباس. (۱۳۸۷). نقد و تحلیل شیوه‌ی سعید نفیسی در تصحیح متون ادبی کلاسیک فارسی. دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۶۰، صص ۱۵۳-۱۳۱.

11-Chaski, C. E. (2005). Who's at the Keyboard? Authorship Attribution in Digital Evidence Investigations. **International Journal of Digital Evidence**, Vol4, No1.

12-Chaski, C. E. (2001). Empirical evaluations of language-based author identification techniques. **International Journal of Speech, Language and the Law**, Vol8, No1.

13-Coulthard, m. (2004). Author identification, idiolect, and linguistic uniqueness. **Applied Linguistics**, Vol25, No4, 431-447.

14-Goodman, R., Hahn, M., Marella, M., Ojar, C., Westcatt, S. (2007). The use of stylometry for email author identification: a feasibility study. **Seidenberg School of CSIS, Pace University**.